

مجموعه مطالعات درباره میراث ایرانی - اسلامی - ۴

فهرست اسناد و مدارک آرشیوی مرتبط با آسیای مرکزی موجود در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی ایران

به اهتمام:
سید علی موجانی

با هدايت:
سید طایفه
فوزان خواجهم

اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی
مؤسسه بین‌المللی مطالعات آسیای مرکزی (ایکاس)

تهران - ۱۳۹۷

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: موجانی، سیدعلی، ۱۳۴۸-

عنوان و نام پدیدآور: فهرست اسناد و مدارک آرشیوی مرتبط با آسیای مرکزی موجود در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی ایران/ به اهتمام سیدعلی موجانی، با همکاری سیما طایفه و فوزان خواجه، [به سفارش] اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی، موسسه بین‌المللی مطالعات آسیای مرکزی (ایکاس) مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۶۹۶ ص.

فروست: مجموعه مطالعات درباره میراث ایرانی - اسلامی - ۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۱-۸۵۴-۴

بها: ۴۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: نمایه.

موضوع: خراسان بزرگ - تاریخ - منابع آرشیوی - فهرستگان‌ها

موضوع: Khorasan(Iran)- History- Archival resources - Union lists

شناسه افزوده: یقه، سیما

شناسه افزوده: فوزان خوا-

شناسه افزوده: موسسه بین‌المللی مطالعات آسیای مرکزی (ایکاس)

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه - مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، اداره مطالعات اسناد و تاریخ روابط خارجی.

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره چاپ و انتشارات.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ م ۸ ۱۹۲۵ الف / ۷۶۶۲

رده‌بندی دیویی: ۰۱۱/۳۱

شماره کتابشناسی: ۵۲۲۶۲۵۳

مجموعه مطالعات درباره میراث ایرانی - اسلامی - ۲

فهرست اسناد و مدارک آرشیوی مرتبط با آسیای مرکزی موجود در کتابخانه‌ها و مراکز

آرشیوی ایران

به اهتمام: سیدعلی موجانی

با همکاری: سیما طایفه و فوزان خواجه

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

صفحه آرایشی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، ساختمان ناشران، طبقه همکف پلاک ۱۶/۲۲

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۳۱۵، تلفن فاکس: ۰۲۱-۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۳۰۴۳۷۱

فهرست

مقدمه فارسی	۷
فهرست املاک به فارسی	۲۳
نمایه	۶۰۵
Index.....	20
Introduction	1

www.ketab.ir

مقدمه

درک واقع‌بینانه روابط و مناسبات میان شهرها و مناطق مختلف آسیای مرکزی و خراسان بزرگ در دو‌یست سال گذشته، نیاز به مطالعه همه‌جانبه اسناد و مدارک و تطبیق آنها با تواریخ منطقه دارد. در این دوره، تحولی مهم سرنوشت سیاسی و اجتماعی مردم آسیای مرکزی و خراسان بزرگ را دگرگون ساخت. ورود دو قدرت بزرگ استعماری قرن نوزدهم، انگلستان و روسیه به این جغرافیا تغییری بنیادین در مناسبات داخلی خانات آسیای مرکزی و سرزمین‌های هم‌جوار پدید آورد.

پیش از آن تاریخ، دولت‌شهرهای آسیای مرکزی در تعامل با کشورهای همسایه خود از جمله ایران و چین سیاستی متناسب با واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی خویش را دنبال می‌کردند، اما در سده‌های هجده و نوزده میلادی چین و ایران دیگر توان اعمال سیاست در این منطقه را نداشتند. خلا

امنیت در آسیای مرکزی بروز یافته بود، جاده ابریشم متروک مانده و روابط تجاری میان شرق و غرب، به دلیل گسترش مسیر آبی جاده ابریشم، دیگر همچون گذشته پررونق نبود. جابه‌جایی‌های جمعیتی و تغییرات متعدد سیاسی در ساختار نظام حاکمیتی شهرهای جاده ابریشم سبب شده بود که بافتی یکپارچه از نظر نژادی، زبانی و دینی در این منطقه وجود نداشته باشد. ایرانیان و تورانیان، دو هویت دیرین مستقر در این سرزمین، چنان درهم تنیده بودند که تشخیص آنها به‌دشواری ممکن بود. در سمرقند، که روزی خاستگاه زبان پارسی بود، ترکی به گسترده‌گی زبان فارسی در میان اهالی تاجیک رایج شده بود و در مرو، که زمانی نقطه اتصال خراسان با دنیای سنی خلافت عباسی بود، تحت تاثیر تشیع، جلوه‌هایی تازه از هویت فرهنگی شیعی مجال بروز یافته بود. شاید تنها عنصر ثابت و تغییرنیافته، نسبی ثباتی حاصل از تاراج و غارت کاروانیان و دستبرد طوایف منطقه، به‌ویژه ترکمانان، به سهرها بود. اگرچه سرقت اموال و احشام و بدتر از آن، به اسارت گرفتن انسان‌ها و فروش آنها در بازارهای خبیث، و خودریم عملی مذموم به شمار می‌رود، اما این امر سبب شده بود که پیک‌ها و سفرایی میان خانان و حکومت‌های منطقه مبادله شوند و از این طریق روابط دیپلماتیک میان این شهرها، در زمینه رهایی اسرا و بازگرداندن اموال تاراج‌شده، برقرار گردد.

گزارش‌های باقی‌مانده از نمایندگان ده برای حل مشکلات و دفاع از اتباع به‌اسارت‌برده‌شده یا رهایی اموال و اغنام میان خوارزم و ایران، بخارا و نابل، هرات و تهران، بلخ و خوقند، و خیوه و مشهد در رفت و آمد بودند، تصویری از واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این منطقه را آشکار می‌سازد. این گزارش‌ها مکمل تواریخ محلی‌ای هستند که در خان دولت‌شهرهای آسیای مرکزی یا دربارهای پادشاهی ایران و سپس افغانستان نگاشته‌اند.

امروزه تاریخ‌نگاری آسیای مرکزی و خراسان بزرگ بر مبنای معاینه این دو وجه و مطابقت آنها غیرعلمی تلقی می‌شود. گزارش‌نویسان یا مورخان محلی فارغ از این ملاحظات، فرهنگ و اجتماع پیرامون خود، بر اساس سنت رایج دربار خانان و امرای محلی روایت‌هایی به‌چندان دقیق و پرمغز ارائه داده‌اند. در نگاه آنها بخارا یا خوقند، تاشکند یا هرات، سمرقند یا خجند محور تمام مسائل فرهنگی و اجتماعی دنیای معاصرشان بوده است. در میان آثار آنها به‌ندرت می‌توان گزارش‌هایی متنوع و جامع از رویدادهای جهانی و تأثیر منطقه‌ای آنها یافت. در واقع، وقایع‌نگاران کمتر کوشیده‌اند با غور در تاریخ کهن و مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی سرزمین‌های پیرامونی روایتی جامع ارائه دهند.

تاریخ‌نویسی در آسیای مرکزی روایت رویدادهای شهرها و دولت‌شهرهایی کوچک است و نمی‌تواند آنچه را که در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر روی داده به‌خوبی روشن نماید. از این‌رو دستیابی به رویکردی تازه که تحولات را نه از دید خان و خان‌نشینان، بلکه با نگاه به واقعیات زندگی روزمره و مسائل اجتماعی آن روزگار ببیند و به تغییرات مهم در نظام امنیت منطقه‌ای بپردازد دشوار است. کمتر

منبعی یافت می شود که در مورد اشخاص، طوایف و اقوام به روشنی و درستی سخن گفته باشد، اما با بررسی جزئیات پراکنده در حاشیه اسناد و مدارک، و گاه با مطالعه اشعار و داستان ها می توان به نکاتی ارزشمند دست یافت.

مطالعه روند تحول نظام بین المللی و منطقه ای نیز نیاز به پژوهش هایی جامع تر، از جمله بررسی دقیق اسناد و مدارک دولتی دارد. در میان آرشیوهای موجود در منطقه، بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به دلیل قدمت و تنوع منابع از مراجع اصلی است. گزارش ها و یادداشت های متبادل شده، صورت جلسات و سفرنامه های موجود در این مجموعه حاوی جزئیات زیادی در زمینه واقعیت های اجتماعی و مسائل مبتلا به آن جوامع است، که با کمک آنها می توان به تصویری کامل تر از اوضاع و احوال منطقه دست یافت. بررسی دقیق گزارش های رسمی و اسناد متبادل شده مان دولت ایران و حکومت های منطقه و دولت های بزرگ همچنین می تواند یافته های مهمی در زمینه نظام امنیت منطقه ای و جهانی به دست دهد.

کتاب حاضر حاصل رفاق میان مدیریت مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی ایران و ریاست انستیتو مطالعات آسیای مرکزی مسکو در سمرقند ازبکستان برای تدوین فهرست اسناد و نمایه سازی اطلاعات پایه بخشی از این بایخانه است که با مسائل منطقه در سده های هجده و نوزده میلادی در ارتباط است. انتخاب اینجانب برای انجام این تحقیق با توجه به سوابق پژوهشی و کاری دوران مسئولیت صورت گرفت. با در نظر گرفتن تعداد و کیفیت اسناد و اینکه استخراج اطلاعات متن، امری پرهزینه و زمان بر بود، دو همکار در آماده سازی اطلاعات کتاب حاضر مرا یاری رساندند. این پژوهش شامل فهرستی نسبتاً متنوع از اسناد و مدارکی است که رویدادهای گسترده ای از صفحات خراسان بزرگ، از ایران و افغانستان تا آسیای مرکزی را دربر گرفته است.

اطلاعات استخراج شده بسیار متنوع و دارای جزئیات و اشرافی است که نشان از نیات قدرت های شرکت کننده در «بازی بزرگ» دارد. بازی بزرگ اشاره به سیاست دو دولت بزرگ استعماری وقت، یعنی روسیه تزاری و دولت بریتانیا در منطقه و تاثیر آنها بر تعامل حکومت های منطقه با یکدیگر دارد. موضوعات مهم در بازه زمانی مورد نظر از این قرارند: تعیین حدود و حفظ ثبات آنها، حرکت جمعی گروه های انسانی و مهاجرت از بیرون منطقه و در درون آن، تاثیر مهاجرت ها بر وضع کشاورزی و مسئله آب، تعیین تابعیت اتباع مقیم بخش های مختلف این قلمرو جغرافیایی، به ویژه با در نظر گرفتن رقابت بین روسیه و ایران، و تاثیر ورود خط آهن بر وضع کلی منطقه و زندگی جوامع محلی.

از اواخر سده هجدهم دولت بریتانیا که سلطه استعماری خود را در هند و افغانستان تثبیت کرده بود، توجه ویژه‌ای به آسیای مرکزی معطوف ساخت. ورود بازیگر جدید بین‌المللی در منطقه، مشکلات حل‌نشده پیشین را پیچیده‌تر کرد و مسائل جدیدی آفرید. گزارش‌ها و اسناد مؤید آن است که غیر از بریتانیای کبیر، اتباعی از فرانسه و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به منطقه سفر می‌کردند و بدین ترتیب زمینه دخالت کشورهای تازه را در مسائل سیاسی ایران و روسیه فراهم می‌ساختند.

روند سلطه روزافزون روسیه در آسیای مرکزی با دشواری و به‌کندی صورت گرفت. خانات و حاکمان آنها در برابر دست‌اندازی‌های روسیه به شدت مقاومت می‌کردند و برای گروکشی در روابط و جذب منابع مالی تازه به اقداماتی دست می‌زدند که خطرات زیادی داشت و می‌توانست شرایط را به شدت بحرانی کند. نمونه بارز و مستندشده این اقدامات، گروگان‌گرفتن کشاورزان ایرانی و یا دخترانی از مناطق شمالی خراسان ایران بود. ترکمانان هزاران ایرانی را در این سال‌ها اسیر کرده و در بازارهای برده‌خوارزم و خیوه، فروش رسانده بودند. اسناد نشان می‌دهند که از این اسرا، بیش از آنکه برای نیروی کار استفاده شود، به عنوان وجه الضمانی برای جذب منابع مالی و کالا از ایران سوء استفاده می‌شد. حاکمان خیوه و خراسان در دهکده‌های متعدد با سفرای اعزامی دولت ایران، شرط آزادی این اسرا را دریافت کمک‌های مالی، بستیک، یا حتی تسلیحاتی ابراز می‌کردند. در حقیقت آنها در تلاش بودند از این فرصت برای تقویت بنیان‌های خود و استمرار بقا و مقاومت در مواجهه با قدرت بلامنازع روسیه بهره‌برداری کنند. اسناد به‌قیمانده از آن زمان نشان‌دهنده رقابت‌های شخصی شدید بین فرماندهان نظامی روس و چگونگی ارتباط آنها با قدرت مرکزی روسیه در جریان پیشروی‌های نظامی روسیه در منطقه است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که این رقابت‌ها در میان فرماندهان منطقه ماورای بحر خزر، ترکستان و قفقاز، حتی در رده‌های پائین‌تری فرماندهان محلی، موجب افزایش بی‌ثباتی در مناطق تحت اشغال روس‌ها شده بود.

دولت ایران چانه‌زنی با طوایف متعدد ترکمان را به‌خوبی پیش برده بود، اما در حل مشکلات با خان خیوه بر سر سرنوشت اسرای ایرانی که از خاک ایران دزدیده شده بودند و در مناطق دوردست پشت مرزهای تثبیت‌شده با روسیه روزگار سختی را می‌گذرانند موقعیت دشواری داشت. در آن شرایط سخت، دولت نیرومند و استعماری بریتانیا وارد معادله منطقه‌ای شد و افسران بریتانیایی با استفاده از قدرت بازی‌سازی و دستکاری امور کوشیدند حل مسائل منطقه را به رابطه کلان و فرمانطقه‌ای روسیه و بریتانیا گره بزنند. افسران بریتانیایی بخشی از بازی‌سازی در خراسان بزرگ را به صورت مستقل و بخشی دیگر را در قالب کارگزاری و نیابت از طرف دولت ایران محقق می‌ساختند. بررسی دقیق‌تر گزارش‌ها و اسناد موجود در زمینه آدم‌دزدی و اسارت انسان‌ها در آن دوره، ابعاد تلخ و آثار مخرب آن را بر زیست جمعی ساکنان این قلمرو وسیع روشن می‌کند.

تحقیقات و تألیفات جدید در این زمینه، در قالب پژوهش‌های ادبی، به غنی‌سازی حافظه تاریخی مردمان منطقه یاری خواهد رساند.

این تحرکات موجب افزایش ایجاد دفاتر مقیم و نمایندگی‌های سیاسی بریتانیا در شمال ایران شد. گزارش‌ها و اسناد بررسی‌شده، از جمله گزارش‌های افسران و مأموران بریتانیایی حاکی از آن است که برخی از این دفاتر و مراکز می‌کوشیدند موقعیت منطقه را پایش کرده و با تهیه گزارش‌های بیشتر، اشراف اطلاعاتی و عملیاتی بریتانیا بر مسائل آسیای مرکزی و خراسان بزرگ را فزونی بخشند. از سده نوزدهم بهره‌مندی این دفاتر و کارگزاران آنها از مصونیت‌ها و امتیازهای دیپلماتیک و توقعات و اقدامات خدای سران آنها بر مشکلات و تنش‌های درون‌منطقه‌ای افزود.

آسیای مرکزی و خراسان در سده نوزدهم مملو از تنش و درگیری بود. اما این تنش‌ها مانع از ادامه فعالیت‌ها و تداوم راج در منطقه نشد. به عنوان مثال، در همین دوره شاهد موارد متعددی از کسب مجوز برای کاروان‌های حجاج و درخواست تشریفات برای عبور علمای مذهبی مقیم خانات آسیای مرکزی از خوقند، نیوه و تاشکند و سمرقند و بخارا تا هرات و کابل با استفاده از مسیر حج گزاردن ایرانیان هستیم.

عزیمت افراد و اتباع خارجی از کشورهای مختلف به صفحات شمالی خراسان در آسیای مرکزی در سده نوزدهم میلادی تبدیل به امری عادی می‌شد. اسناد نشان می‌دهند که این افراد عموماً برای مأموریت‌های مالی و کسب و کار و یا جمع‌آوری اطلاعات در مورد وضع منطقه و تهیه گزارش‌های رسمی برای دولت‌های خود به منقذه اعزام می‌شدند. وضع نامشخص و بی‌ثباتی ناشی از تقابل‌های درونی نظام منطقه‌ای در قالب رقابت قدرت و وابسته آنها با روسیه، که گاه در همراهی و گاه در تقابل با آن قدرت بودند، سبب رفتارهای مختلف این مسافران می‌شد. افزایش اینگونه رفتارها و نتایج آنها زمینه را برای دخالت قدرت‌های حرامنه‌ای در آسیای مرکزی فراهم کرد و به حضور سیاسی نیرومندتر کشورهای مختلف به بهانه‌های متنوع همچون تهیه نقشه، بررسی راه‌های تجاری، مطالعات کشاورزی و تحقیق پیرامون اقوام، زبان‌ها، لهجه و گرایش‌ها انجامید. از میان جمعیت‌های تازه‌وارد به هندیان نیز باید اشاره کرد که به نمایندگی از طرف دولت بریتانیا ایفای مسئولیت‌های اداری و اجرایی به دفاتر تجاری و وکالتخانه‌ها و یا نمایندگی‌های سیاسی بریتانیا مأمور می‌شدند و عموماً پس از سالیانی کوتاه زمینه مهاجرت خانواده‌هایی بزرگ را از هند به منطقه فراهم می‌ساختند. باورهای مذهبی و فرهنگ هندی‌هایی که به منطقه می‌آمدند با باورها و فرهنگ جوامع بومی کاملاً متفاوت بود و به بروز تنش‌های جدید منجر شد. برخی از این تنش‌ها مرتبط با اعمال و رفتار گروه‌های تازه‌وارد بود که با ویژگی‌های جوامع محلی تباین داشت، مثلاً ایجاد کازینو یا قمارخانه، که در برخی موارد به خشونت و قتل می‌انجامید. رفتار دولت بریتانیا در دفاع از این هندی‌ها - که شهروند بریتانیا محسوب می‌شدند - در جریان اختلاف با ساکنان محلی مناطق، در

عمل به طرح رشته‌ای از موضوعات جدید در کنار دشواری سیاسی‌های لاینحل پیشین در روابط میان ایران، انگلستان، افغانستان و روسیه منجر شد.

افزون بر عوامل پیشتر ذکر شده در خصوص مهاجرت‌ها و جابه‌جایی اقوام در منطقه، مسأله «عدالت» را نیز باید در نظر گرفت. اسناد و گزارش‌های بررسی‌شده تصویری تلخ از دشواری شرایط زندگی جمعیت‌های روستایی در بخش‌های مختلف خراسان ترسیم می‌کنند. تحمیل مالیات‌های سنگین از سوی حکام و خوانین محلی بر کشاورزان خراسان از بارزترین مصداق‌های بی‌عدالتی بود. بنا بر الگوهای رفتاری جافتاده، حاکمان منطقه کاهش عواید سالانه خود به دلایل طبیعی - از جمله تفاوت برداشت محصول در سال‌های متفاوت، یا خشکسالی بومی مناطق، یا شیوع بیماری‌های رایج در مزارع - را به تحلیل مالیات‌های سنگین‌تر بر کشاورزان جبران می‌کردند. این رویه مرسوم آنچنان که در گزارش‌های متعدد آن در دسترس شده، موجب مهاجرت‌های اجباری و تغییر جغرافیای انسانی منطقه شد. به علاوه، کاهش درآمد کشاورزی تأثیر منفی بر تجارت در منطقه نیز می‌گذاشت، که به نوبه خود به بی‌ثباتی و نابسامانی بیشتر اقتصادی و اجتماعی باج‌خواهی از تجار و حمله به کاروان‌ها منجر می‌شد. این وضع نامطلوب در خلال دو قرن تأثیر بلند مدت بر کاهش مستمر حجم تبادلات تجاری و مالی میان شرق و غرب بر کناره شاهراه ابریشم گذارد.

با بررسی اسناد به مجموعه‌ای از ملاحظات پدید آمده متغیرهای متنوع و گاه متناقض برمی‌خوریم که به خودی خود حل نمی‌شدند و هر کدام مسأله تازه پدید می‌آوردند که پیشتر درباره آنها تصویری وجود نداشت. آسیای مرکزی و خراسان تبدیل به صحنه بررسی، تحقیق، تحلیل و عمل بسیاری از کشورهای اروپایی شده بود. گزارش‌ها مؤید آن است که دیپلمات‌های فرانسوی از ژاپن و از طریق مغولستان و چین به آسیای مرکزی وارد شده و به عبور از صحنه‌های آسیای مرکزی خود را به خراسان ایران رسانده بودند. این سطح از تماس‌ها و ارتباطات گرامش‌بخش تنها به حضور افراد منتهی نمی‌شد. به عنوان مثال، وقتی ارتش روسیه خیوه را تصرف کرد، سه عراده توپ انگلیسی در آنجا پیدا شد که هیچ‌کس نمی‌دانست چگونه و از چه طریق سپاه بریتانیایی «دست» آنها را به خیوه در قلب متصرفات آسیای مرکزی روسیه منتقل کرده است. مشابه این وضع در این سوی مرز وقتی آشکار شد که کارگزاری استرآباد گزارشی به تهران با این مضمون داد که ترکمانان بموت و کولان توپ و سلاح روسی به مناطق شمال خراسان ایران منتقل کرده‌اند. این تحولات «مشکوک» در قتل عام گوگ‌تپه به عربانی خود را نشان داد. ارتش روسیه ترکمن‌هایی را که با سلاح‌های بریتانیایی تجهیز شده بودند به طرز فجیعی قتل عام کرد و این پایان ایفای نقش تأثیرگذار طوایف ترکمنی بود که توانسته بودند با ایجاد بی‌ثباتی به مدت یک سده، نقش مؤثری در منطقه آسیای مرکزی ایفا کنند. با رویداد گوگ‌تپه و تضعیف موقعیت ترکمن‌ها در صحرا، مسیر تازه‌ای برای

ترکمانان گشوده شد که نتوانست مدتی طولانی استمرار یابد و این مسیر غارت و تاراج منطقه با قایق‌های کوچک در کناره‌های دریای خزر بود.

حملات ترکمانان به شهرها و مناطق حاشیه دریای خزر در کرانه‌های ایران و روسیه در درازمدت موجب شد که مسأله تحدید حدود و تعیین مرزهای آبی در کنار مسأله مرزهای زمینی در مذاکرات سیاسی مطرح شود. به‌زودی آشوراده، حسینقلی و بندرهای کوچک محلی موضوع نزاع ایران و روسیه در زمینه تعیین حدود مرزی دریای خزر شدند. هر تصادمی منجر به قتل یا غارت می‌شد و هر قتل یا سرقت زمینه تحریک و فعالیت نمایندگان تجاری و سیاسی قدرت‌ها را فراهم می‌ساخت و این امر مسائل عامه منطقه‌ای را پیچیده‌تر ساخته بود.

۱. تعیین حدود مرزهای طرفین یکی از دشوارترین مسائل مبتلابه پایدار در دو سده بود. بی‌ثباتی‌های مستمر در سراسر منطقه به سبب این عوامل بود: غلبه زندگی عشایری، حرکت مداوم قبایل - به‌ویژه ترکمانان - در سرزمین‌های مورد مناقشه و درگیری مداوم با حکومت‌های مختلف، فقدان حکومت‌های سامانیافته، عدم توافق بر سر مرزهای شناخته‌شده. این وضع سیال تنها در اواخر قرن نوزدهم میلادی و پس از تثبیت نسبی قدرت‌های منطقه‌ای شکل و سامانی تازه یافت. نمایندگان بریتانیا در منطقه نقشی خطیر در تشکیل نه‌گشتن کمیسیون‌های تعیین حدود ایران و روسیه و سپس ایران و افغانستان ایفا کردند. مرزبند ها، از آن زمان به بعد جغرافیای سیاسی منطقه را ترسیم کرد. جزئیات فرآیند تعیین حدود و تفکیک مناطق کشورهای در این منطقه مؤید رقابت‌های جدی بین طرف‌های درگیر و نیز بی‌توجهی عمده‌ان حکام روس و افسران بریتانیایی به واقعیت جغرافیای طبیعی یا انسانی منطقه بود. توافق بین روس‌ها و انگلیسی‌ها بر ایجاد خطوط مرزی قراردادی، به‌ویژه در آسیای مرکزی، سرآغاز ناپایداری اجتماعی و بحران در سراسر بزرگ در سده‌های بعد بود. سایه بلند آن تصمیم‌ها و تقسیمات همچنان در جدال بین قرقیزها و تاجیک‌های افغان و فرغانه، یا ازبک‌ها و تاجیک‌های وادی زرافشان قابل مشاهده است. این وضع می‌تواند، ناری خطرناک و حتی احتمال بروز درگیری نظامی میان کشورهای منطقه را به دنبال داشته باشد. از این رو مطالعات ریشه‌ای آنچه در کمیسیون‌های سرحدی روی داده و سبب گشته است که تغییر ساختار درون منطقه‌ای نه بر اساس واقعیت‌ها، که بر اساس تمایلات قدرت‌های بزرگ تعریف گردد، ضرورتی جدی برای زمانه ما به شمار می‌رود.

در پی تثبیت نسبی ایران، روسیه و افغانستان در سده نوزدهم میلادی، موضوع تعیین تابعیت اتباعی مطرح شد که در بخش‌های مختلف این جغرافیا زندگی می‌کردند. بعد از تعیین حدود، بسیاری از آنها که اکنون با مرزبندی جدید در قلمروی روسیه و حدود آسیای مرکزی جای گرفته بودند ریشه‌های خود را ایرانی می‌دانستند. دولت روسیه این امر را نمی‌پذیرفت، چون مصمم بود که از میزان تأثیرگذاری و نفوذ ایران در منطقه بکاهد و از این رو جمعیت‌های ایرانی مقیم آسیای مرکزی را پیوسته

تحت فشار قرار می داد تا تابعیت خود را تغییر دهند. این شرایط بر افغان ها نیز تحمیل می شد، که خود موجب بروز دشواری های تازه ای در مناسبات دولت نوپا و کم ثبات افغانستان با دو همسایه قدرتمندتر خود، یعنی ایران و روسیه شده بود. یکی از مشکلات تازه این بود که بسیاری از افرادی که تابعیت جدید کسب می کردند بدان پابندی نشان نمی دادند و برخی نیز همچون طوایف ترکمان اساساً مفهوم تابعیت دولتی خاص را بر نمی تافتند. همین عوامل سبب شده بود آنها پیوسته تابعیت خود را از ایرانی به روسی، و از روسی به ایرانی تغییر دهند و ناخواسته مشکلات تازه ای در روابط و تعاملات درون منطقه ای پدید آورند. این جابه جایی ها گاه جغرافیای گسترده ای را در برمی گرفت، مثلاً کوکلان های - به چند ماه از سال را با کسب تابعیت ایرانی برای تثبیت موقعیت خود و عدم پرداخت مالیات به دولت روسیه و خارج بودن از شمول قوانین جزایی و کیفری آن کشور سر می نمودند و در مقطعی دیگر در همان ایام که مقامات ایرانی مایل بودند آنها را به پذیرش واقعی شهروندی کشور خود وادار سازند و در سرزمین های تازه ای اسکان دهند، از پذیرش تبعیت حکام ایرانی سربر تافته و شورش می کردند. برای رفع این خصا - نرمه های تازه ای به کار گرفته می شد، به عنوان مثال، دولت روسیه با پرداخت پول مقامات محلی را می خرید، دولت ایران نشان و هدیه به ریش سفیدان و کدخدایان مناطق اعطا می کرد.

با ورود خط آهن مسئله ارتباط میان شهرهای تازه تصرف شده روسیه با خط آهن سراسری این کشور دغدغه تازه ای به وجود آورد. ایجاد خط آهن در روسیه و هراس طوایف ساکن در منطقه افزود، چون آنها خط آهن را به منزله تثبیت حاکمیت روسیه بر صحرای - قلمرو و محیط زیست طبیعی شان - می دانستند و به اشکال مختلف در مسیر احداث آن کارشکنی می کردند. قتل مهندسان یا کارگرانی که مشغول ایجاد خطوط آهن در منطقه بودند و گریختن قاتلان در ردها ل ایران مسائل تازه ای به وجود آورده بود. تأسیس راه آهن سرانجام بر گسترش سیطره روسیه بر آسیای مرکزی، افزود و مسیر تجارت سنتی و دیرپای جاده ابریشم - که امکان تبادل با اروپا از طریق ایران و آسیای مرکزی را فراهم می ساخت - به کلی متروک ماند.

افزون بر اینها، گسترش خطوط آهن در بخش هایی از روسیه که در شمال ایران قرار داشت، تأثیری مهم بر روابط ایران و روسیه نهاد. نابرابری توسعه از مجال تأثیر گذاری ایران کاسته بود، با این حال دولت مرکزی ایران قصد داشت به تحولاتی که در شمال رخ می دهد واکنش نشان دهد. با بررسی اسناد می توان دریافت که دولت ایران تلاش کرده تا با کمک فرانسوی ها راه آهن شیروان به خبوشان و تربت را راه اندازی کند. این شرایط، خاص ایران نبود، دولت افغانستان هم به این نتیجه رسیده بود که باید با صدور اجازه خط آهن از مسیر کوشک تا هرات بکوشد از رقبای منطقه ای خود عقب نماند.